

## حزب میهن پرستان ایلات و عشایر کرد پشتکوه

مراد مرادی مقدم<sup>۱</sup>

ناهید کشتمند<sup>۲</sup>

### مقدمه:

هدف روسای ایل کرد از نگارش نامه ارائه شده به مجلس شورای ملی، شکایت از دست تعدیات طایفه میر ساکن دره شهر بود که طوایف کرد ساکن آبدانان را مورد تهدید و غارت قرار داده بودند. آنها طی این نامه برای اثبات حقانیت خود بخشی از خدمات وطن پرستانه و میهن دوستانه خود را در طول تاریخ در دفاع از مرزهای ایران زمین را شرح داده اند.

مهمترین قسمت سند ارائه شده اشعاری از دو فتحنامه است که بعد از پیروزی والیان پشتکوه در نبرد با امپراتوری عثمانی سروده شده است. در سند مذکور زمان دقیق جنگها مشخص نشده است، از این رو توضیحات لازم در خصوص این جنگها داده می شود. جنگهای زیادی بین ایران و امپراتور عثمانی در گرفت و به دنبال این جنگها، معاهدات صلحی بین دو دولت صفویه و عثمانی منعقد گردید که به موجب آنها دو منطقه لرستان و ایلام به یک ایالت مرزنشین در غرب ایران تبدیل شدند.

از دوره صفویه به بعد تنشهای مرزی بین ایران و امپراتوری عثمانی بروز کرد و این تنشها موجب جنگها، و کشمکشهای زیادی گردید. با وجود بسته شدن چندین قرارداد صلح بین دو دولت، عثمانی هر بار به دلایل گوناگونی مرزهای غربی ایران را مورد تجاوز قرار می داد.

والیان ایلام به عنوان حاکمان مرزی خدمات شایانی در حفظ امنیت و دفاع از مرزهای ایران در برابر

۱. مدرس دانشگاه پیام نور دهلران.

۲. مدرس دانشگاه پیام نور قصرشیرین.

حزب میهن پرستان ایلات و عشایر کرد پشتکوه / مراد مرادی مقدم، ناهید کشتمند

تهاجمات امپراتوری عثمانی انجام دادند. آنها با اتکاء به ارتشی که از نیروهای ایلات و عشایر قلمروشان تشکیل داده بودند، همواره مدافع مرزهای ایران بودند و علاوه بر برقراری امنیت در قلمرو خود، حکومت مرکزی را در جنگ های مرزی و برقراری ثبات و امنیت در دیگر مناطق یاری می دادند.

نیروهای ایلات و عشایر ایلام با توجه به ویژگی های ژئوپلیتیک آن مناطق همواره از نیروهای پیشتاز در مقابل تجاوزات قوای عثمانی بودند و با سازماندهی و فرماندهی دقیق والیان، سد نفوذناپذیری در مقابل تجاوز نیروهای عثمانی در غرب کشور ایجاد کرده بودند.<sup>۱</sup>

مسائل مرزی ایران و عثمانی از زمان صفویه تا عهد قاجار همیشه باعث نزاع و کشمکش بین دو طرف بود. در این میان مناطقی مرزی پشتکوه نیز مورد نزاع بود که عثمانی ها مدعی حاکمیت بر آن بودند. معادن نمک پشتکوه، اراضی صیفی و ملخطوای (مهران) و باغشاهی از جمله مناطق مورد اختلاف دو کشور بودند. علاوه بر این مناطق رودخانه کنجانچم نیز از عوامل نزاع ایران و عثمانی در منطقه پشتکوه بود. این رودخانه از کوه های پشتکوه سرچشمه می گیرد و پس از مشروب نمودن اراضی صیفی و ملخطوای از مرز مهران وارد عراق می شود. در دوره عثمانی آب مصرفی مناطق زرباطیه، بدره و جسان در خاک عراق تنها از این رودخانه تأمین می شد. حسین قلی خان ابوقداره با برقرار کردن امنیت در پشتکوه و جمع نمودن کشاورزان پراکنده، اراضی وسیعی در صیفی و ملخطوای (مهران) به زیر کشت برد و نهرها و جویبارهای زیادی از روخانه کنجانچم برای مشروب نمودن آن اراضی احداث کرد؛ اما این اقدام منجر به کاهش آب در زرباطیه و بدره و زیان دیدن کشاورزان آن مناطق گردید. عثمانی ها برای مانع شدن از کاهش آب در زرباطیه و بدره به طور مکرر به منطقه صیفی و ملخطوای (مهران) لشکر می کشیدند و آب رودخانه را بر روی اراضی آنجا قطع می نمودند و مزارع و مراتع را به آتش می کشیدند و با اعمال زور آب رودخانه کنجانچم را به عراق سرازیر می کردند.<sup>۲</sup>

حسین قلی خان (۱۳۱۹خ-۱۲۷۳خ) بارها هجوم عثمانی ها برای تصرف معادن نمک و دیگر مناطق پشتکوه را دفع کرد. اشعاری از فتحنامه پیروزی حسین قلی خان در جنگ با عثمانی ها در سند ارائه شده آمده است. غلامرضاخان فرزند و جانشین حسین قلی خان (۱۳۱۸ - ۱۳۰۷ خ) همچون پدرش در حفظ مرزهای ایران کوشا بود و چندین بار حملات عثمانی ها برای تصرف اراضی مهران و معادن نمک پشتکوه دفع کرد. در سال ۱۳۲۶ق عثمانی ها ارتشی مرکب از دو هنگ و توپخانه به مهران اعزام داشتند تا محصول اهالی آنجا را ضبط نمایند، ولی غلامرضاخان سپاهی از تفگچیان و سواران ایلات پشتکوه تدارک دید و به فرماندهی عمومی خود سید جواد برای دفع تجاوز آنها اعزام نمود. در نتیجه جنگ شدید و خونینی که بین دو قوا رخ داد، نیروهای عثمانی شکست فاحشی خوردند و عده بسیاری از آنها به قتل رسیدند و یا به اسارت درآمدند.<sup>۳</sup> اشعاری از فتحنامه این نبرد در سند ارائه شده آمده است.

۱. مرادی مقدم، مراد، تاریخ سیاسی اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه ایلام، تهران پرسمان، ۱۳۷۵، ص ۲۵۸.  
 ۲. مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، مکاتبات کاربردزخانه ایران در بغداد در خصوص تهاجم عثمانی ها به پشتکوه، سند شماره ۱۲-۴-۱۱-۲-۱۲۸۱ ق.  
 ۳. رزم آرا حاجی علی، جغرافیای نظامی پشتکوه، بی جا، ۱۳۳۰، صص ۱۰۵-۱۰۶.

منطقه باغشاهی که در مرز پشتکوه با عراق و بین زرباطیه و علی غربی قرار گرفته است، از مناطق مورد نزاع والیان پشتکوه عثمانی‌ها بود. حسینقلی خان و غلامرضاخان بارها هجوم عثمانی‌ها را برای تصرف آن منطقه دفع کردند و آنجا را همچنان در تصرف خود نگاه داشتند.<sup>۱</sup>

غلامرضاخان با اتکاء به ارتشی که از نیروهای ایلات و عشایر تحت امرش تشکیل داده بود بارها تجاوزات قوای عثمانی را به مرزهای پشتکوه دفع کرد و به قول هوگو گروته او «با برخورداری از استقلال نسبی و داشتن ارتشی نیرومند، در مرزهای غربی ایران، سدی در مقابل توسعه طلبی عثمانی‌ها ایجاد کرده [بود] که گذشتن از آن کار چندان ساده‌ای نبود»<sup>۲</sup>

اختلاف مرزی والیان با عثمانی‌ها بعد از تحدید حدود ۱۳۳۲ق/۱۹۱۳م-۱۳۳۳ق/۱۹۱۴م بین ایران و عثمانی تا حدی کاهش یافت. بر اساس این تحدید حدود یکی از معادن نمک پشتکوه به نام «مشهد» و منطقه باغشاهی به دولت عثمانی و اراضی صیفی و ملخطوای به ایران تعلق گرفت. اما مناطقی که به عثمانی تعلق گرفت به خاطر پافشاری غلامرضاخان برای تعلق یافتن این مناطق به پشتکوه، دولت عثمانی پذیرفت که آن مناطق تا زمان حیات والی در اختیار او باشند و منطقه باغشاهی را نیز به عنوان ملک شخصی غلامرضاخان در عراق شناختند.<sup>۳</sup> غلامرضاخان که تا سال ۱۳۰۷ خ/۱۹۲۸م در پشتکوه حاکم بود، معدن نمک مشهد و منطقه باغشاهی را در تصرف خود نگاه داشت ولی با رفتنش به عراق آن مناطق نیز از پشتکوه مجزا و به خاک عراق پیوستند.

#### شرح سند:

شماره: ۴۲۵۹

۲۲ / ۳ / ۲۳

حزب میهن پرستان ایلات و عشایر پشتکوه  
طوایف کرد که قسمت عمده پشتکوه است

مجلس مقدس شورای ملی شید الله ارکانه ۲۲ / ۳ / ۲۳

کلیه پشتکوه، سرحدی بین مرز پاک کشور ایران و عراق واقع است. از مغرب و شمال به آب گنگور که بحوالی مندلیج عراق نزدیک است، و باز از شاه آباد تا قصرشیرین و آن حدود است، و از طرف مشرق امتداد جریان رشته آب صیمره از چادوال و شیروان و رودبار و تا حدود ملک طرحان از همان رشته الی کرخه دم شاه، و از جنوب هم رشته آب کرخه است تا به قومات و خاک عراق عرب بشهر عماره منتهی می شود؛ جز ولایت تاریخی پشتکوه بشمار می رود، و خاک و محل موروثی مسکونی کرد از مغرب و شمال بخاک شوهان که سابقاً

۱. حکومت سایه‌ها، مکاتبات محرمانه میرزاحسین خان سپهسالار، به کوشش محمدرضا عباسی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۳، ص ۱۰۱.

۲. هوگو گروته، سفرنامه، ترجمه مجید جلیلود، تهران، مرکز، ۱۳۷۹، صص ۴۱-۴۲.

۳. مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، مکاتباتی در خصوص اراضی صیفی و ملخطوای، سند شماره ۱۸-۱-۴۵-۱۳۳۸ق.

هم جزء طایفه کرد بوده اند منتهی است، و نیز حد غرب آخرین حدود بین مرز سرحدی ایران و عراق عرب از مشرق رشته کبیرکوه از بالا جاری، ولی اراضی صیمره که پس رشته کوه کبیرکوه است کمافی سابق در ازمنه و اعصار قدیم خاک و مدرکی کرد است. باز همان رشته آبدانان - کبیرکوه و آب صیمره و کرخه و دم شاه تابه قومات منتهی می شود. خاک کرد روزگاران قدیم تحت ولایت والی گری و حکمرانی ولات مغفور فیلی طاب تراهم بوده اند. این مردم بیشتر از همه اهالی طوایف های کشور ایران، غیرت مند و وطن پرست و برای حفظ حیثیت خاک و آب میهن عزیز به مال و جان اعتنا نکرده اند حتی والی های [ناخوانا] با آن همه غیرتمندی و احساسات میهن دوستی این ایل نجیب غیرتمند ایشان را بحفظ خاک و آب میهن عزیز تشویق و تحریص نموده، گرچه جدید خدمات و فعالیت ولات فیلی مغفور طاب الله تراهم و ایلات پشتکوه و طوایف کرد در تواربخها و روزنامه های میهن عزیز درج و در انظار اولیای معظم دولتی پوشیده نیست، از جمله در عصر والی گری و حکمرانی مرحوم حسین قلی خان ابو قداره صارم السلطنه سردار اشرف، دولت عثمانی بطمع تصرف نمکزار حشمیه که قرب بادر و زرباطیه و از خاک میهن عزیز محسوب است، لشکری به آن حدود تحت ریاست اصلا زره زن فرستاد، والی مغفور طوری شکست فاحش بانها داد با آن همه جلادت و تهور تاب مقاومت نیاورده و فرار اختیار کرده و خاک و وطن عزیز ما را تخلیه کردند. یکی از شعرای آن عصر چند شعری از فتحنامه والی نام برده بنظم در آورده از جمله سه چهار شعری بخاطر داشتیم و در این مقاله درج نموده:

ای آنکه بر دوش فلک زرین لوا افراختی - ای آنکه چون [خوریکی] تنه گلگون فرس را تاختی  
از بهر یک چشمه نمک آشوب رفته تا فلک [یت غایت] الروم و سبک یک تن بلشکر تاختی  
از دشمنان سرکوفتی با رومیان آشوفتی - اصلان زره زن رومی کوس یلی بنواختی  
ای والی والا نشان ای آفت هر سرکشان - مابین ما و رومیان سد سکندر ساختی

سپس نوبت دوم، در زمان حکمرانی و والی گری پسرش غلام رضا خان امیر جنگ باز عثمانی ها بطمع نمکزار نام برده و بلکه قدم جرات پیش نهاده املاکات صیفی و ملخطاولی که نام تغییر السنه او مهران است، باز لشکر فرستاده والی مرحوم نام برده بنا به غیرت مندی و پاس حقوق نمک دولت و حفظ میهن پاک مقدس خود عم نامی دلاورش جواد خان سرهنگ و میرزا موسی پیشکارش با لشکری آراسته و شجاعتی بی نظیر و شوقی سرشار در راه میهن پرستی بعثمانی ها حمله کرده بطوری شدیدتر از جنگ اول عهد پدر مرحومشان شکست فاحشی بانها داده که از همان تاریخ تاکنون [ناخوانا] همچو طعمی نگردیده اند و فتحنامه والی و والی مرحوم شیخ شیباب شاعر کرمانشاهی در مطبع نشر و نیز یک نفر شاعر از محترمین کرد بنام محمد جلعود شهرت [ناخوانا] که هوشی سرشار داشته از فتحنامه همان جنگ و شکست عثمانی ها بنظم در آورده:

دارم حدیثی در مرین از والی سرحد نشین شیر شجاع سهمگین از هیبتش لرزد زمین

### تیغش شعاع انداخته

شد در غضب شیر ژیان رو کرد بر نام آوران یک مرد خواهم این زمان آرد دمار از رومیان

### یک تن بجا نگذاشته

برخواست از کرسی زر عمش جواد آن نامور / این رزم را بر من سپهر رومی کنم زیر و زبر

### سرها ز تن انداخته

شد جیش رومی سرنگون سان سپاهش شد زبون / بحری شناور شد بخون تا جان چه فلکه شد روان

### شد الامان برخواسته

اگر بخواهیم از خدمات صمیمانه خود شرحی بعرض رسانیم اولاً عموم افسران معظم کشور محبوب مطلعند؛ ابراز آن از خودنمایی ناشی خواهد بود، لذا می بینیم جمعی مانند میرهای تبعیدی صیمره و ساکنین ماژین و بعضی الوار آنها در دوره مشعشع افتتاح چاردهمین جلسه مجلس مقدس شورای ملی که هر یک از هواخواهان میهن عزیز قدم طاعت پیش نهاده معهداً میرهای صیمره و ماژین تبعیدی که طبعاً گرگ خونخوار و منزلگه دزدان، از یک طرف خود را میهن پرست قلم داده، خیانت‌های قدیم را مانند خدمت جلوه داده و از یک طرف بخون برادران نوعی و هم میهنان خود چنگال ستم گشاده، هر روزه مرتکب چند گونه نهب اموال و قتل رجال طایفه کرد آبدانان گردیده پس خوب است دولت قوی شوکت ما در اینمورد و این مبحث نیک را از بد شناخته، در مابین ما نیکان بدان تعویضی قائل شود، عموم افسران معظم ایران مطلعند که ما طایفه کرد پشتکوهی هیچگونه مرتکب کوچکترین خلافی نشده بلکه در راه هم میهنان جان خود را نثار نموده، با این قدرت و توانائی چشم بطمع شروریت به هیچ هموعی نگشوده و همان احساسات وطن پرستی قدیم را از دست نداده حالیه مجموعه انتظار همان خدمات صمیمانه را در راه میهن عزیز داریم. یعنی طبعاً چه عهدهای عتیق و چه زمامداری اعلیحضرت پهلوی سابق چه اکنون سلطنت شهربار جوان بخت کنونی خود ابراز خدمات صمیمانه در راه میهن پرستی خود را به منصفه ظهور رسانیده.

مجموعاً با قلبی مملوح از احساسات بی پایان تبریک و تهنیت چهاردهمین جلسه مجلس مقدس شورای ملی بعرض رسانیده ترقی و تعالی کشور با عظمت باستان و موفقیت و نیکبختی های روز افزون هم میهنان را در پرتو عنایت یزدان توانا خواستاریم.

بنمایندگی حزب اینجانب کدخدا حسن قلی جایروند کرد ۲- اینجانب سید طاهر قوام زاده ۳- اینجانب علوان پنجشنبه زاده ۴- اینجانب محمد کوچک رستمی کرد ۵- اینجانب مشهدی عزیز مهرایی کرد ۶- اینجانب علی عزیز پور کرد ۷- اینجانب کدخدا مهدی پیرانی کرد

اینجانب کدخدا رحمت الله نصر اللهی، اینجانب کدخدا موسی رضا، اینجانب کدخدا بگ محمد پیر محمدی زرگوش، اینجانب کدخدا شامحمد میرزایی، اینجانب کدخدا ملک حسین رضایی کرد، اینجانب کدخدا صید احمد شریفی، اینجانب کدخدا صید احمد ملکی، اینجانب کدخدا چراغ شریفی.

۲۲۹  
حزب میهن پرستان ایلات و عشایر پشتکوه  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کلیه پشتکوه / سرزمین کربلا که قدمت آن به پیش از اسلام بازمیگردد و در زمان ساسانیان و صفویان نیز به همین نام شناخته می شد. این سرزمین در شمال غرب و جنوب غرب استان کردستان واقع شده است. در زمان صفویان این سرزمین به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده بود. بخش شمالی آن شامل مناطق کربلا، کربلای معلی، کربلای معلی و کربلای معلی می شد. بخش جنوبی آن شامل مناطق کربلا، کربلای معلی، کربلای معلی و کربلای معلی می شد. در زمان قاجاریان این سرزمین به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده بود. بخش شمالی آن شامل مناطق کربلا، کربلای معلی، کربلای معلی و کربلای معلی می شد. بخش جنوبی آن شامل مناطق کربلا، کربلای معلی، کربلای معلی و کربلای معلی می شد. در زمان پهلوی این سرزمین به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده بود. بخش شمالی آن شامل مناطق کربلا، کربلای معلی، کربلای معلی و کربلای معلی می شد. بخش جنوبی آن شامل مناطق کربلا، کربلای معلی، کربلای معلی و کربلای معلی می شد. در زمان جمهوری اسلامی این سرزمین به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده بود. بخش شمالی آن شامل مناطق کربلا، کربلای معلی، کربلای معلی و کربلای معلی می شد. بخش جنوبی آن شامل مناطق کربلا، کربلای معلی، کربلای معلی و کربلای معلی می شد.

پیام بهارستان / ۲۰۲۰، س. ۲، د. ۸ / تابستان ۱۳۸۹

